

کرامت انسانی و فلسفه حقوق بشر

(در اندیشه علامه طباطبائی)

مؤلفان:

دکتر محمدصالح قاسمی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

محمد مهدی باقری

www.ketab.ir



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: کرامت انسانی و فلسفه حقوق بشر (در اندیشه علامه طباطبائی)

مؤلفان: دکتر محمدصادق نصرت‌پناه و محمدمهدی سیفی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا: رضا عبداللهی

ویرایش ادبی: مهرناز بوجاری صفت

طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی

ناشر و ناظر نسخه پردازشی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۸۵/۰۰۰ ریال

شماره نسخه: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۵۳۲

تهران: بزرگراه شهید چمران، پست، شماره ۱۴۶۵۹، دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ کد پستی ۱۴۶۵۹ تلفکس: ۸۸۲۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir E-mail: press@isu.ac.ir

سرشناسه: نصرت‌پناه، محمدصادق، ۱۳۹۷ -
عنوان و نام پدیدآور: کرامت انسانی و فلسفه حقوق بشر (در اندیشه علامه طباطبائی) / مؤلفان

محمدصادق نصرت‌پناه، محمدمهدی سیفی

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۵۴ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۵۳۲

موضوع: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ - دیدگاه درباره کرامت انسانی

موضوع: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ - دیدگاه درباره فلسفه حقوق بشر

موضوع: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ - نقد و تفسیر

موضوع: کرامت انسانی - جنبه‌های مذهبی - اسلام

موضوع: حقوق بشر - فلسفه

موضوع: حقوق بشر - جنبه‌های مذهبی - اسلام

شناسه افزوده: سیفی، محمدمهدی، ۱۳۷۱ -

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ن ۴ ک / BBR ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۱۸۷/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۲۵۱۳۷

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۱۱ سخن‌هاش
۱۳ مقدمه
۲۵ فصل اول. انسان منادی علامه طباطبایی
۲۵ مقدمه
۳۱ ۱. هبوط انسان
۳۱ ۱-۱. سرگذشت آدم (علیه السلام) در شلم برای بیان حال نوع انسانی
۳۳ ۲-۱. انسان موجودی دوئیس
۳۵ ۳-۱. آفریده شدن آدم (علیه السلام) برای سکونت در زمین
۳۵ ۴-۱. تعلیم اسما به آدم (علیه السلام)
۳۹ ۵-۱. نزدیک شدن به درخت ممنوع
۴۱ ۶-۱. زندگی مرکب از ابعاد دنیوی و آسمانی
۴۱ ۷-۱. عدم خروج آدم و حوا (علیهم السلام) از بهشت در هنگام هبوط
۴۲ ۸-۱. معنای عصیان آدم (علیه السلام)
۴۴ ۹-۱. آثار هبوط
۴۷ ۲. فطرت‌مندی انسان
۵۱ ۱-۲. معنای فطرت‌مندی انسان
۵۴ ۲-۲. ویژگی‌های فطری انسان
۵۴ ۱-۲-۲. علم و ادراک فطری
۵۴ ۲-۲-۲. گرایش‌ها و استعدادها
۵۶ ۳-۲-۲. فطرت‌مندی غایت و هدف آفرینش انسان

- ۵۶..... ۲-۲-۴. قوه تعقل و تفکر
- ۶۰..... ۲-۲-۵. قلب
- ۶۲..... ۲-۳. مسخ فطرت
- ۶۴..... ۳. اختیار انسانی
- ۶۸..... ۴. ادراکات اعتباری
- ۷۷..... ۵. طبع اجتماعی انسان
- ۸۳..... جمع‌بندی
- ۹۱..... فصل دوم. کرامت انسانی در اندیشه علامه طباطبائی
- ۹۱..... مقدمه
- ۹۳..... ۱. کرامت ذاتی
- ۹۳..... ۱-۱. مبرم‌شناسی کرامت ذاتی
- ۹۶..... ۲-۱. مؤلفه‌ها، سه‌کیل‌هنده کرامت ذاتی انسان
- ۹۷..... ۱-۲-۱. شرایط ذاتی عبودیت
- ۹۷..... ۱-۲-۲. خلقت ممتاز انسانی
- ۹۹..... ۱-۲-۳. تسخیر سایر موجودات برای انسان
- ۱۰۰..... ۱-۲-۴. فطرت انسانی
- ۱۰۲..... ۱-۲-۵. عقل انسان
- ۱۰۴..... ۱-۲-۶. علم انسان
- ۱۰۵..... ۱-۲-۷. اختیار انسان
- ۱۰۷..... ۱-۲-۸. پذیرش امانت الهی توسط انسان
- ۱۰۸..... ۱-۲-۹. خلافت الهی
- ۱۱۱..... ۲. کرامت اکتسابی
- ۱۱۲..... ۱-۲. مفهوم‌شناسی کرامت اکتسابی
- ۱۱۳..... ۲-۲. معیار کرامت اکتسابی
- ۱۱۴..... ۲-۳. توحید قرآنی، معیار کرامت اکتسابی
- ۱۱۵..... ۲-۳-۱. عبودیت تنها راه کسب کرامت اکتسابی
- ۱۱۸..... ۲-۳-۲. معرفت در عبودیت و نقش آن کرامت اکتسابی انسان
- ۱۲۱..... ۲-۳-۳. عبادت توأم با حضور، و نقش آن در کرامت اکتسابی

۱۲۳ ۴-۳-۲. اخلاص: راه رسیدن به مراتب اعلاى كرامت اكتسابى
۱۲۴ ۴-۲. نقطه اوج كرامت اكتسابى: مقام ولايت
۱۲۶ ۵-۲. مؤلفه‌هاى تشكيل دهنده كرامت اكتسابى
۱۲۷ ۱-۵-۲. ايمان و عمل صالح
۱۳۰ ۲-۵-۲. اختيارى بودن
۱۳۱ ۳-۵-۲. نوعى بودن
۱۳۲ ۴-۵-۲. تدريجى بودن
۱۳۲ ۵-۵-۲. تشكيكى بودن
۱۳۴ جمعياتى
۱۳۹ فصل سوم. نارساى كرامت در اندیشه علامه طباطبايى
۱۳۹ مقدمه
۱۴۰ ۱. آزادى
۱۴۱ ۱-۱. تعريف آزادى
۱۴۲ ۲-۱. مبانى آزادى
۱۴۲ ۱-۲-۱. اختيار انسانى
۱۴۳ ۲-۲-۱. زندگى اجتماعى انسانى
۱۴۵ ۳-۱. اعتبار آزادى
۱۴۹ ۴-۱. حدود آزادى
۱۵۴ ۵-۱. انواع آزادى
۱۵۵ ۱-۵-۱. آزادى تفكر
۱۵۷ ۲-۵-۱. آزادى عقیده
۱۶۱ ۶-۱. لوازم آزادى تفكر
۱۶۲ ۱-۶-۱. فرصت پرسش
۱۶۴ ۲-۶-۱. فرصت ارائه آراء و اندیشه‌ها
۱۶۵ ۲. عدالت
۱۶۸ ۱-۲. تعريف عدالت
۱۷۱ ۲-۲. مبانى عدالت
۱۷۱ ۱-۲-۲. عدالت الهى

۱۷۶ ۲-۲-۲. عدالت و حق
۱۸۰ ۳-۲. اعتبار عدالت
۱۹۱ ۴-۲. جایگاه عدالت اجتماعی
۱۹۸ ۳. امنیت
۱۹۸ ۱-۳. تعریف امنیت
۲۰۰ ۲-۳. مبانی امنیت
۲۰۱ ۳-۳. اعتبار امنیت
۲۰۷ ۴-۱. امنیت معنوی
۲۱۰ ۳. امنیت دنیوی
۲۱۴ جمع‌بندی
۲۲۱ نتیجه‌گیری، کرامت انسانی، محور و مبنای حقوق بشر و آثار آن
۲۳۵ منابع و مأخذ
۲۴۳ نمایه

فهرست شکل‌ها

۶۲ شکل ۱. نمودار ویژگی‌های فطری انسان
۹۶ شکل ۲. نمودار اولیه مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان در اندیشه علامه طباطبایی
۱۱۱ شکل ۳. نمودار مفهومی کرامت ذاتی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن
۱۱۳ شکل ۴. نمودار ابتدای کرامت اکتسابی بر توحید به‌منظور بروز آثار کرامت انسانی
۱۲۴ شکل ۵. نمودار کرامت اکتسابی و راه‌های کسب آن
۱۲۷ شکل ۶. نمودار مؤلفه‌های کرامت اکتسابی انسان
۱۴۲ شکل ۷. نمودار رابطه آزادی، اراده و حب در اندیشه علامه طباطبایی
۱۴۵ شکل ۸. نمودار آزادی تشریحی از دیدگاه علامه طباطبایی
۱۴۹ شکل ۹. نمودار رابطه آزادی تکوینی و آزادی تشریحی در دیدگاه علامه طباطبایی
۱۶۱ شکل ۱۰. نمودار رابطه آزادی تفکر و آزادی عقیده در اندیشه علامه طباطبایی

- شکل ۱۱. رابطه عدالت و حق در حکمت سیاسی متعالیه ۱۷۹
- شکل ۱۲. اعتبارات دوگانه حُسن و قبح و عدالت ۱۸۶
- شکل ۱۳. نحوه ترابط انسان و جامعه مطلوب در بستر عدالت ۱۹۰
- شکل ۱۴. نمودار تفاوت بین عدالت و مساوات به عنوان آثار کرامت انسانی ۱۹۵
- شکل ۱۵. ترابط سه‌گانه امنیت، آزادی و عدالت بر محور قانون ۲۰۷
- شکل ۱۶. نمودار ابتدای قوانین حقوق بشری بر انسان‌شناسی ۲۲۲

مقدمه

در دهم دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس پاریس بر اساس قطعنامه که بیون حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی را تصویب کرد. این اعلامیه برای یک مقدمه، ۳۰ ماده و سه قطعنامه ضمیمه است که بیانکننده مواد اعلامیه ۱۹۴۸ پاریس بوده و از سوی تدوینکنندگان آن به صورت قواعد آمره برای کشورهای جهان تلقی می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۲۴۴). دلیل آن نیز روح حاکم بر مواد بیان و پیوستن بسیاری از کشورها به این میثاق و رویه اجرایی کردن قوانین کشور از سوی دولت‌ها بیان شده است. این اعلامیه به عنوان اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها تلقی شده و هر انسانی به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن بهره‌مند از آن دانسته می‌شود (Donnelly, 2003: 12). همچنین، این مسئله امروزه به عنوان کانون یکی از مهم‌ترین موضوعات عملی مطرح در نظام جهانی و بالتبع نظام جمهوری اسلامی ایران^۱ و نیز یکی از کلیدی‌ترین و پربحث‌ترین موضوعات حوزه «انسان و اجتماعی و علمی‌الخصوص حقوق عمومی قرار گرفته است.

این نگاه ویژه در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی و حقوق بشر به سبب عطف توجه به واژه‌ای به نام «کرامت انسانی» می‌شود. بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر

۱. جمهوری اسلامی ایران بارها با اتهام عدم رعایت و توجه به حقوق بشر در موارد متعددی از سوی مجامع بین‌المللی و کشورهای غربی متهم به نقض این حقوق شده است. در طی دوران حکومت جمهوری اسلامی ایران مجمع عمومی سازمان ملل به جز ۲ یا ۳ سال همه‌ساله قطعنامه‌ای در مورد نقض حقوق بشر در مواردی مانند انتخابات آزاد، آزادی بیان، حقوق زنان، حق فعالیت گروه‌ها، اقلیت‌های قومی و مذهبی، اعدام، حقوق کودک، حقوق همجنس‌گرایان و رعایت حریم شخصی علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران صادر کرده است.

انسان‌ها صرفاً به دلیل انسان‌بودن و فارغ از هر گونه تمایز دیگری ذاتاً برخوردار از این حقوق در نظر گرفته می‌شوند (ر.ک: مواد ۱ و ۲... اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی). حقوق بشر امروزی به معنای حقوقی است که انسان‌ها تنها به واسطه برخورداری از «کرامت ذاتی انسانی» دارای آن شده (ر.ک: مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی) و در نتیجه به منظور تعلق این حقوق به انسان‌ها، شرایط مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نژادی، جغرافیایی و حتی مذهبی در نظر گرفته نمی‌شود. موضوع ذاتی بودن «کرامت انسانی» در بسیاری از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی از جمله مواد ۱، ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۶ و ۳۰ طوبی مستقیم یا غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته است. در حقیقت، ذاتی بودن «کرامت انسان» به مثابه اساس حقوق بشر و معیار تعامل اجتماعی و بین‌المللی، در حوزه‌های مختلف موم انسانی و حقوقی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. به دلیل همین تأکید بر ذاتیت «کرامت انسانی» است که «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» عای چهارمولى داشته و «به عنوان معیار مشترکی برای همه مردمان و همه ملت‌ها» (ر.ک: مقدمه «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی») در نظر گرفته شده و متذکره شود که «همه افراد و یکایک نهادهای اجتماع آن را همواره به خاطر داشته باشند و از راه تعلیم آموزش در ترویج بزرگداشت این حقوق و آزادی‌ها بکوشند» (مقدمه «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی»). لکن با تعمق در این موضوع خارج کردن آن از حالت توصیف و ارائه مبادی حقوقی موجود در متون متعلق به این حرفه، بهره‌برداری از اصولی اعتقادی و اجتماعی که موجب پیدایش این حقوق شده‌اند (ر.ک: عماره، ۱۹۸۵ م، ۱۳-۱۴) ابهامات و سؤالاتی راجع به این مبانی و مفهوم این حقوق الهی‌الخصوص در موضوع «کرامت انسان» مطرح می‌شود.

به نظر می‌رسد با بررسی سیر رخدادهای وقوع یافته از اعلامیه حقوق استتلال آمریکا در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ و سند اعلامیه حقوق انسان که توسط «مجلس مؤسسان» انقلاب فرانسه در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ تصویب شد تا «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ از سوی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا تصویب این سند یک اتفاق تاریخی مستقل از طبیعت تحولات و رخدادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بوده است، یا اینکه تطور و سیر این تحولات و رخدادها منجر به خلق آن شده است؟ به عبارت

دقیق‌تر می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا مفاهیم به‌کاررفته محوری در این سند نظیر مفهوم «کرامت انسانی» مفاهیمی ذاتی، عام، بدیهی و جهان‌شمول‌اند یا اینکه متخذ از مبانی خاصی اندیشگی زاینده تمدن فعلی دنیای غرب؟

برخی معتقدند «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» جامع‌ترین و کامل‌ترین سندی است که در زمینه حقوق انسان تدوین شده است (Donnelly, 1986: 18). اما حقیقت این است که این اعلامیه به سبب ماهیت اومانستی آن، تأمین‌کننده منافع آنها و ابزاری برای سلطه آنها در شکل جدید استعمار است. «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» بیانگر نوعی نوسازی ساختارهای فکر جدید غربی حول محور اومانسیسم است. ساختاری که در آن برای بازاریابی سیاست‌های سلطه‌طلبانه جدید نظام غربی، از طریق پنهان‌سازی مضامین واقعی آن به‌وسیله الگوهای مختلف حقوق بشر غربی، یاری رسان (نصرت‌پناه و دیگران، ۱۳۹۱).

اساساً پدیدار «حقوق بشر» در غرب محصول نوعی نگاه خاص به هستی، جهان و انسان است که در عصر پس از سانس‌گریبان دنیای غرب را به خود گرفت. در نگاهی متساهلان‌تر می‌توان «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» را ناشی از ضرورت‌های پس از جنگ جهانی دوم دانست (Freeman, 1994: 503-504). به همین دلیل است که این محصول از حاکم‌نگری و حقیقت‌مداری خالی است. به بیان دیگر، بیش از اینکه این موضع‌گیری‌ها ناشی از خاستگاه فلسفی و فکری و برخوردار از بنیادهای اصیل و جهان‌شمول باشد تا به مبانی اومانستی غربی، و در ساده‌انگارانه‌ترین حالت، ضرورت‌های اجتماعی و نصرت‌پناه است (نصرت‌پناه و دیگران، ۱۳۹۱). از این رو، این حقوق - و بالتبع مفاهیم آید، آن نظیر «کرامت ذاتی» انسان - نمی‌تواند عام، بدیهی و جهان‌شمول بود. در نتیجه نمی‌توان برای آن مبانی فکری مقبولی برای همگان و مفاهیم عامی برشمر.

همین کاستی موجب شده است که «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» همواره چالش‌برانگیز بوده و بسیاری از جوامع و اندیشمندان را به موضع‌گیری وادار کند؛ از جمله کشورهای اسلامی، در ۵ اوت ۱۹۹۰، «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» را در قاهره تصویب کردند تا دیدگاه‌های دین اسلام را در این زمینه مطرح کنند و بسیاری از اندیشمندان مسلمان در سراسر دنیای اسلام اعم از شیعه و سنی نیز هر یک به وسع خویش در برابر مفاهیم مندرج در این اعلامیه

موضوع گیری کرده و به انتقاد از آن پرداخته‌اند.^۱

با توجه به این نکات و علی‌رغم اهمیت «کرامت انسانی» در «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» به نظر می‌رسد توجه به این موضوع و تلاش به منظور ارائه مفهومی از آن، مبتنی بر اندیشه اسلامی و علی‌الخصوص با توجه به اندیشه‌های اندیشمندان شیعه و همچنین بیان نقاط تفارق این نگاه با مبانی تئوریک «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» می‌بایست مورد توجه جدی تری واقع شود. «کرامت انسانی» به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم محوری در مباحث حقوقی و علمی‌الخصوص حقوق بشر، نه تنها عامل مطرح شدن مباحث متعدد حقوقی و پاسخ‌گوی بسیاری از مسائل مطرح در آن حوزه است، بلکه به عنوان محور طرح و ارائه مقاله‌ها، برای ارائه حقوق بشر اسلامی نیز می‌تواند قرار گیرد. لکن به رغم وجود منابع عینی پیرامون مباحث انسان‌شناختی در متون اسلامی هم به لحاظ نقلی (قرآن و سنت) و هم به لحاظ عقلی (میراث فلسفی - سیاسی) موضوع «کرامت انسانی» از گوی که پخته است مورد بررسی و بحث واقع نشده است.

مسئله کرامت انسانی از مهمترین مسائل حقوق بشر و از جمله مباحث مهم در حوزه علوم انسانی و به ویژه فلسفه حقوق بشر و معیار تعامل اجتماعی و بین‌المللی است که در میان مذاهب مختلف ریکردهای متفاوتی را در ارتباط با خود رقم زده است. همچنین، از آنجا که در عصر حاضر بسیاری از مکاتب بشری و در رأس آنها مکاتبی که تجلی نگاه انسان‌شناختی آن، در «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» متبلور است، مدعی توجه به «کرامت انسانی» و دفاع از «کرامت انسانی» بوده و در دفاع از حقوق بشر سخن بسیاری رانده‌اند و حتی در مواردی دین اسلام را نیز مخالف با کرامت انسانی معرفی کرده‌اند. می‌بایست بحث از ماهیت، چیستی، مؤلفه‌ها، آثار کرامت انسانی در اندیشه دین مبسوط اسلام و نیز مکاتب مختلف بشری مهم جلوه کند. از طرف دیگر، خود موضوع کرامت انسانی در متون اصلی اسلامی (قرآن کریم و روایات) به صورتی کاملاً جدی مطرح شده است و ابعاد و زوایای مختلفی را از عرش الهی و فرشتگان تا انسان دربر می‌گیرد

۱. گذشته از نویسندگان عرب‌زبان اهل سنت، در میان نویسندگان و اندیشمندان شیعه نیز آثاری به طور مستقیم به مقوله حقوق بشر اختصاص یافته است؛ همچنین به طور مستقیم یا غیرمستقیم آراء و نظرات علامه طباطبایی و نظرات شاگردان ایشان آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی که در این زمینه مطرح شده است، قابل مراجعه و بهره‌برداری است.

که همین گستردگی و شمول، نشانگر محوریت این موضوع در مباحث انسان‌شناسی اسلامی است.

با توجه به دو نکته مذکور (گستره مفهوم کرامت انسانی در تعالیم اسلامی و نیز اهمیت مبانی آن در آموزه‌های حقوق بشری عصر جدید)، در اندیشه اندیشمندان مسلمان معاصر نیز موضوع «کرامت انسانی» به طور ویژه‌ای مورد توجه واقع شده است. این اندیشمندان تلاش کرده‌اند با توجه به نقش محوری و مبانی «کرامت انسانی» در میان مبانی حقوق بشر:

اولاً، تعریف و ذات این موضوع را از نگاه دین مبین اسلام مورد واکاوی قرار دهند. و به موضوعات متعددی از قبیل ماهیت «کرامت انسانی»، انواع کرامت، شمول یا عدم شمول کرامت برای تمام انسان‌ها، مؤلفه‌ها، مبانی و موانع تحقق کرامت پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهند.

ثانیاً، با توجه به مباحث مربوط به «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی» در اطراف موضوع کرامت انسانی، به مقایسه مباحث مستخرج خود از تعالیم اسلامی با متناظرات آن در اندیشه حقوق بشر غربی بپردازند.

ثالثاً، از رهگذر این مقایسه، شباهت‌ها و تفاوت‌ها را در دین اسلام مبنی بر عدم اهمیت به «کرامت انسانی» و سایر لوازم حقوق بشری در اسلام، پاسخ دهند.

در میان این اندیشمندان مختلف مسلمان، علامه طباطبایی به عنوان نام‌آورترین فیلسوف فلسفه اسلامی و مفسر قرآن کریم در عصر حاضر، دارای آثار و اشارات متعددی در مباحث مربوط به اندیشه اجتماعی اسلام است و در مباحث مختلف اجتماعی با تکیه بر مبانی اسلامی به بحث و اظهار نظر پرداخته است. همچنین، ایشان در آثار متعددی به مباحث پیرامون انسان‌شناسی، فلسفه و ابعاد وجودی و حقوق وی، مباحث مربوط به حقوق بشر از نگاه اسلام، مسریت و تربیت جدید و بالنتیج «کرامت انسانی» پرداخته است که نشان از اهمیت فراوان این موضوع در اندیشه ایشان دارد. البته چون تاکنون جمع‌بندی و صورت‌بندی مناسب و دقیقی پیرامون موضوع «کرامت انسانی» در اسلام از منظر اندیشه ایشان صورت نپذیرفته است، بررسی این موضوع را مهم جلوه می‌کند.

با عنایت به این نکات می‌توان مسیر پژوهش این کتاب را ترسیم کرد. این کتاب درصدد است تا با توجه به ماهیت «کرامت انسانی» و اهمیت کلیدی آن در اندیشه حقوق بشر غربی تلاش کند تا نگاهی اسلامی به این موضوع را با تکیه بر

میراث فکری علامه طباطبایی ارائه دهد.^۱ لذا، «کرامت انسانی» در اندیشه علامه طباطبایی بازتعریف می‌شود و شرایط تحقق آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، انواع «کرامت انسانی» در تفکر علامه مورد اشاره قرار گرفته و مشخص خواهد شد که آثار انواع «کرامت انسانی» (کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی) در حقوق بشر چیست. لازمه این بحث نیز پس از اشاره به مباحث مربوط در حیطه انسان‌شناسی اسلامی، برشمردن ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی انسان در اندیشه علامه، نقش هر یک از آن دو در مسیر کمال انسانی و بیان شرایط و لوازم حصول هر یک از این ویژگی‌ها در حصول کرامت انسانی است.

مراجعه به آثار علامه طباطبایی می‌توان دریافت که ایشان «کرامت انسانی» را به ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌کند و گرچه انسان را فطرتاً دارای کرامت تکوینی و برتری بر موجودات دیگر می‌بیند، ولی کرامت اکتسابی را معیار اصلی «کرامت انسانی» می‌داند. علامه «کرامت انسانی» با ویژگی‌هایی از قبیل «شرافت ذاتی وجود» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳، ج ۱: ۱۸) خلقت ممتاز انسانی» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۵۷)، «تسخیر عالم برای انسان» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۲۹-۲۲۸)، «فطرت انسانی» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳، ج ۱: ۱۰۴ و ۲۵۶)، «عقل انسان» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۵۶)، «علم انسانی» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۲)، «اختیار انسان» (ر.ک: علامه طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۵۲)، «پذیرش امانت الهی» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۴۹) و «خلافت الهی» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۶) در عالم خلقت را که از جانب آفریدگار عالم به وی رسانده شده امر غیراختیاری است، «کرامت ذاتی» و تکوینی می‌نامد، اما دستیابی به کرامت ذاتی انسانی و مقام قرب الهی را که با مجاهدت‌ها و رعایت تقوای الهی به دست می‌آید «کرامت اکتسابی»، الهی و ارزشی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۵۶-۳۵۷). کرامت اکتسابی، در حقیقت دستیابی انسان به کمالات وجودی و مقام قرب الهی و وصول به آن خدامحوری است که همین قسم اخیر از کرامت است که اساس ربیبان کرامت ذاتی انسان را تشکیل می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۶۵).

۱. البته طبیعی است که برای فهم دقیق‌تر منظومه فکری علامه طباطبایی، شرح آرای ایشان، توسط شاگردان برجسته ایشان مانند شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی و... هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، در برخی موارد نیز برای تبیین بهتر مبانی فکری یا نظر علامه طباطبایی، به بیان برخی نکات فلسفی با تکیه بر آثار فلاسفه مسلمان هم‌سو با ایشان پرداخته شده است، لکن باید دقت داشت که هیچ‌یک از این‌ها هویت مستقل نداشته و برای تبیین هرچه بهتر نظر علامه طباطبایی صورت پذیرفته است.

پس در اندیشه علامه طباطبایی هر اندازه عبودیت انسان در پیشگاه حق تعالی، که حقیقت وجودی وی را تشکیل می‌دهد، آگاهانه‌تر و مخلصانه‌تر باشد به همان اندازه به ارزش و «کرامت انسانی» بیشتر نایل می‌آید. همچنین، از آنجا که کرامت اکتسابی بر اثر تلاش‌های اختیاری انسان به دست می‌آید و اختیار نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان است، کرامت ذاتی انسان نیز بر اساس توجه به اعمال اختیاری انسانی رشد می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۵۶). بنابراین، علی‌رغم ارزش کرامت ذاتی انسانی، کرامت اکتساب‌شده به واسطه رشد دادن ظرفیت‌های وجودی انسانی خود، که همان کرامت اکتسابی است، امر ارزشمندتری است، افزون بر کرامت ذاتی صرف.

در اندیشه علامه کرامت اکتسابی شرافت و حیثیتی است که انسان، به صورت ارادی و از طریق استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های خدادادی خویش در مسیر رشد و کمال دست آورده و اساس ذات وی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، کرامت اکتسابی همان کرامت‌های فطری ذاتی و فطری است که بر اثر رعایت تقوای الهی و حرکت در مسیر بردیت در انسان شکوفا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۵۷). علامه با توجه به نقش نادیده‌گرفته‌ای و اعمال صالح در دستیابی انسان به «کرامت انسانی» معتقد است که کرامت اکتسابی همان شکوفایی ملکات و خصلت‌های درونی و فطری است که ریشه در حقیقت توحیدی انسان دارد. به عبارت دیگر، کرامت اکتسابی دستیابی به ارزش‌های فطری و وجودی ذاتی خود انسان است که از طریق باورمندی به جهان‌بینی درست، حیات شدن به اخلاق نیکو و انجام دادن رفتارهای پسندیده تحصیل می‌یابد. آن‌گاه که انسان رُمن و معتقد به باورهای درست، بر اثر آراسته‌شدن به فضایل و مکارم، به کمال‌ترین درجه‌ی دست می‌یابد و افعال صالح از او صادر می‌شود، کرامت و ارزش ذاتی او کمال یافته است و او را کریم می‌نامند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۱۶۹-۱۷۰).

البته اگرچه در موضوع «کرامت انسانی» پژوهش‌هایی نگاشته شده است، تفاوت پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع انتخابی، و در حقیقت جنبه نوآوری این کتاب در این است که اولاً صبغه فلسفه حقوق بشری در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌شده مشاهده نمی‌شود و اکثر نویسندگان از منظر مبانی محض فلسفی یا قرآنی و روایی به موضوع پرداخته و از ابعاد فلسفه حقوقی، و علی‌الخصوص حقوق بشر غفلت کرده‌اند؛ در حالی که این کتاب رویکرد فلسفه حقوقی را

نسبت به مبانی حقوق بشر و «کرامت انسانی» مد نظر دارد و تلاش دارد با استفاده از مبانی انسان‌شناختی علامه حول موضوع «کرامت انسانی» به استنتاج مبانی فلسفی حقوقی در محور حقوق بشر بپردازد. در نتیجه، این نگاه است که مصادیق کرامت انسانی خود را نمایان می‌کند و حاصل آن در رد اتهامات عدم رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مفید خواهد بود. ثانیاً پژوهش‌گران حقوق بشر و «کرامت انسانی» نگاه علامه طباطبایی را نسبت به موضوعات مذکور نادیده گرفته‌اند که شاید علت آن پیچیده‌بودن و صعب‌بودن خوانش آثار ایشان به دلیل اتقا به مبانی فلسفی حکمت متعالیه باشد که کار فهم دقیق آرای ایشان را برای پژوهش‌گران سخت می‌کند. نوشته‌های ایشان به خصوص در کتاب‌های عربی ناظر به این مبانی است و استخراج از مبانی برای رسیدن به مقصود فلسفه حقوق بشری مد نظر کرامت انسانی نیست و به همین دلیل اغلب پژوهش‌های حوزه حقوق بشر و شهروندی بر آراء علامه شایسته‌های ژرف، عمیق و دقیق ایشان را نادیده گرفته‌اند! در حالی که این کتاب به بررسی و فحوص در آثار علامه طباطبایی خواهد پرداخت که موضوعی بکر و در عین حال دارای ابعاد و زوایای فلسفه حقوقی جدی در زمینه حقوق بشر اسلامی است.

با این توضیحات سؤالات این سبب را می‌توان به این شرح مشخص کرد:

- ✓ «کرامت انسانی» چه جایگاهی در فاعله حقوق بشر دارد؟
- ✓ انواع «کرامت انسانی» چیست؟
- ✓ مهم‌ترین آثار «کرامت انسانی» کدام هستند؟

بدیهی است که پس از طی این گام‌ها می‌توان ادعا کرد که مبانی فلسفی و مواد خام لازم برای تدوین اعلامیه حقوق بشر و شهروندی (مبانی)، با تکیه بر آرای علامه طباطبایی فراهم شده است؛ چرا که اعلامیه حقوق بشر و شهروندی بر محور کرامت انسانی تدوین می‌شود و پس از ارائه و تنقیح مقدمات حقوقی در آمون مهم‌ترین آثار آن یعنی آزادی، عدالت و امنیت می‌توان اقدام به تدوین مصاد قانون حقوق بشری کرد. امری که به نظر می‌رسد گرچه در این پژوهش به آن پرداخته نمی‌شود، می‌تواند در ادامه آن طرح شده و مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به این نکات مورد اشاره می‌توان دریافت که بررسی موضوع فلسفه حقوق بشر و مسئله محوری «کرامت انسانی» با تکیه بر آراء و اندیشه‌های علامه طباطبایی دارای ابعاد و زوایای قابل فحوص و در برخی موارد بدیعی است که لزوم

پژش‌های این چینی را در اندیشه ایشان بیش از پیش با اهمیت می‌کند. لذا، در این کتاب تلاش می‌شود تا برای پاسخ به چیستی «کرامت انسانی» به عنوان مبنای حقوق بشر، اولاً ابتدای فلسفه حقوق بشر را بر «کرامت انسانی» توضیح دهد و ثانیاً آثار اصلی «کرامت انسانی» در حیطه مهم‌ترین موضوعات فلسفه حقوق بشر را مورد اشاره قرار دهد. پس، این کتاب ابتدا به ارائه مبانی انسان‌شناختی اسلام از منظر علامه طباطبایی می‌پردازد؛ سپس بر اساس مبانی ارائه‌شده به تعریف انسان پرداخته و ویژگی‌های ذاتی وی را مورد اشاره قرار دهد؛ چرا که نوع نگاه به انسان در تدوین فلسفه حقوق انسان اهمیت شایانی دارد. در گام بعد نیز به بیان چیستی و اسامی «کرامت انسانی» در اسلام از منظر علامه طباطبایی پرداخته و در نهایت آثار حقوقی ناشی از کرامت ذاتی و اکتسابی را در محورهای آزادی، عدالت و امنیت مورد تبیین قرار می‌دهد؛ زیرا آزادی، عدالت و امنیت سه مفهوم بنیادین حقوقی هستند که خود منشأ وضع قوانین حقوق بشری هستند و در زمره مهم‌ترین آثار «کرامت انسانی» حساب می‌شوند.

در مجموع می‌توان گفت توجه به بعد معنوی انسان، علاوه بر بعد مادی وی، در فهم موضوع کرامت انسانی مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن و همچنین بازتعریف آثار سه‌گانه منتج از آن و در نهایت در فانداتوین مفاد قوانین حقوق بشری اثرگذاری جدی دارد. انسان فطرت‌مند و وسیع‌الذای و ویژگی‌هایی نظیر اختیار و تعقل و استخدام‌گر و سازنده اعتباریات اجتماعی و نیز بهره‌مند از طبع اجتماعی، مستحق حقوق غیرقابل سلبی است که ناشی از کرامت ذاتی انسان است، و قطعاً این حقوق برای انسانی که در هر دو بعد انسانی، انسان شناخته شده جاری است و می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. آزادی، عدالت و امنیت از جمله مهم‌ترین موضوعات فلسفه حقوق بشر هستند که به عنوان مهم‌ترین آثار کرامت انسانی، در تدوین حقوق انسان ب‌ماهو انسان دخیل بوده و خود منشأ ظهور و تدوین قوانین مربوط به حقوق بشر هستند.

برای پاسخ به این پرسش‌ها و بر اساس نوع موضوع و حوزه مورد بررسی، و با توجه به گستردگی حوزه بررسی و نیز ماهیت اکتشافی و ابداعی این تحقیق، گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (شامل مطالعه کتب و مقالات فارسی و عربی و لاتین و پایان‌نامه‌ها) انجام پذیرفته و صورت‌بندی و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده نیز با استفاده از روش تحلیل داده‌های «تفسیری

متن محور^۱ که بر دو حوزه متن و زمینه تأکید توأمان دارد صورت گرفته است.

۱. نتیجه استفاده از روش تحقیق «تفسیر روشی متن محور» منجر به محوریت قصد مؤلف در تفسیر و تأکید بر این نکته است که هر متنی دارای معنای اصلی و واقعی است؛ یعنی معنایی که با قصد و نیت مؤلف «متعین» می‌شود. این محدوده معنایی تعیین یافته قلمرو معنای واقعی متن است که باید به عنوان هدف اصلی رویارویی تفسیری با متن به رسمیت شناخته شود؛ زیرا انکار پیوند میان معنای اصلی و واقعی متن با قصد مؤلف، در حقیقت به معنای نبودن چیزی به نام معنای اصلی و واقعی برای متن و میدان دادن به معنای محتمل و ممکن و تفسیر به رأی به جای معنای «متعین» است.

پس، روش تحقیق «تفسیر روشی متن محور» در حقیقت دانشی هرمنوتیکی است که نسبی نبوده و به اصالت متن معتقد است. به همین دلیل در این پژوهش نیز از این روش به منظور تحلیل داده‌ها و استنباط نتایج استفاده شده است. استفاده از روش تحقیق «تفسیر روشی متن محور» از آنجا که به نامعلومی معنا اعتقادی نداشته و از نسبی‌گرایی هرمنوتیک فلسفی نیز پرهیز می‌کند، می‌تواند در مطالعات اسلامی مورد پذیرش باشد.

ویژگی‌های روش تحقیق «تفسیر روشی متن محور» را می‌توان به صورت ذیل فهرست کرد:

(الف) لزوم تامل گزینی مناسبی میان معانی مختلف تعامل با متن؛ درک معنای متن و آنچه متن درصدد بیان آن است، اصلی‌ترین هدف از روش تحقیق «تفسیر به متن» است. تفسیر به معنای ایضاح آن چیزی است که مقصود مؤلف از پیش الفاظ متن و آقای کلام را، کل می‌داند.

(ب) لزوم محوریت قصد مؤلف «تمام اسبابات معنا به متن»؛ در این روش «متن دارای معنای معین بوده» و «این معنا فارغ از فرایند قرائت متن» است. «عامل تعیین کننده معنا در قصد مؤلف مستتر است»، انجای مختلف تعامل با متن بایستی معطوف به کشف معنا، مقصود مؤلف باشد.

(ج) پرهیز از قرائت آزاد متن و پایبندی به تفسیر متن.

(د) لزوم ضابطه‌مندی تفاوت در فهم؛ اختلاف در فهمی مطابق با اصل و قاعده بوده و بی ضابطه و اختیاری نیست، بلکه در جایی رخ می‌دهد که مفسران در جهت وصول به معنای متعین مشترک و واحد حرکت کنند و به دلیل بروز مشکلاتی در فهم معنای عینی اختلاف رخ دهد. این روش اختلاف در فهم متن عمدتاً به اموری بیرون از ذهنیت و اراده مفسر مربوط است.

هـ) ممنوعیت اجتهاد در برابر نص.

(و) لزوم ترجیح اظهار بر ظاهر؛ مفسر موظف است تا به دنبال قوی‌ترین استنباط معنایی برود؛ زیرا درجه کشف و حکایت آن از مقصود مؤلف بیش از دیگر معانی محتمل است.

(ز) لزوم متابعت از قرائت معتبر؛ ملاک‌های اعتبار فهم مبتنی بر روش مذکور این مقدمات ذیل را دربر می‌گیرد: یکم. از آنجا که ظهور متن از معنا و مقصود مؤلف پرده برمی‌دارد، عقلاً به ظهورات استنباطی می‌ورزند و آن را معتبر می‌دانند. پس، ظهور کلام جنبه طریقی دارد برای درک مراد واقعی مؤلف.

دوم. ظهور نوعی و موضوعی از فهم کلام مؤلف حجت است، نه ظهور شخصی. یعنی عرف و اهل کلام بایستی معنا را بفهمند نه اینکه دغدغه‌ها و دلایل شخصی مؤید معنا باشد.

سوم. احتمال عدم تطابق ظهور نوعی و عرفی متن با مراد مؤلف متنی است؛ زیرا اسباب این عدم انطباق احتمالی، به واسطه اصول عقلایی حاکم بر زبان، متنی است. به عنوان مثال، عقلاً و عرف احتمال اهمال و در مقام بیان نبودن مؤلفی که اقدام به نگارش متن کرده را اعتناکردنی و ناموجه می‌دانند.

چهارم. کاشفیت ظهور نوعی از مراد جدی در بیشتر موارد ظنی است و فقط در موارد محدودی که نص نامیده می‌شود در معنای مراد است. بنابراین، اگر ظهور نوعی محور فهم معتبر باشد، این معیار جنبه ظنی و غیرقطعی دارد.

تدوین این پژوهش بودند، یا نکات دقیقشان در فرایند پژوهش مددکار بوده است، تشکر و قدردانی کنیم. علی‌الخصوص از راهنمایی‌های مشوقانه حضرت آیت‌الله حسینعلی رحیقی و نیز جناب آقای دکتر توکل حبیب‌زاده که در گلوگاه‌های فلسفی و علمی این اثر پشتیبان بوده‌اند متشکریم.

دکتر محمدصادق نصرت‌پناه

محمد مهدی سیفی

تابستان ۱۳۹۷